

شود. از نظر برخی منتقدان، معیارهای انتخاب در برخی بخش‌ها، کاملاً مبهم و غیرشفاف بود. حتی چند اثر متوسط یا ضعیف به‌عنوان برنده معرفی شدند، در حالی که فیلم‌هایی با ارزش‌های هنری بالاتر و نقدپذیری قوی‌تر، کنار گذاشته شدند.

اما جعفر گودرزی، دبیر پانزدهمین جشن منتقدان سینما، ملاک داوری در این جشن را نه اسم‌ها، بلکه خود سینما اعلام کرد. به گفته او، برای نخستین‌بار در این دوره داوری از مدار محدوده جشنواره فجر خارج شد و اکران سال سینمای ایران، ملاک ارزیابی قرار داده شد. استقلال و صداقت، داوری گسترده و ورود فیلم‌های آنلاین به آن، از دیگر تمایزهای دوره پانزدهم جشن منتقدان سینماست که گودرزی به آن‌ها اشاره می‌کند. او در گفت‌وگو با «هم‌میهن» ضمن تأکید بر اینکه «رأی‌های پاک» و توجه صادقانه و مستقل به خلافت و آثار، مهم‌ترین ویژگی پانزدهمین جشن منتقدان سینماست، توضیح می‌دهد: «جشن منتقدان، بر خلاف بسیاری از مناسک رسمی، نه بر مدار بوق و گُرناهی شهرت، بلکه بر محور «تحلیل» و «اعتبار» می‌چرخد. اینجا منتقد و فیلمساز، نه برای مدح یا ملامت، بلکه برای آزمودن کیفیت روبه‌روی هم می‌نشینند. برای آنکه سینما بدانند چه‌چیز باید بماند و چه‌چیز باید دگرگون شود.» دبیر پانزدهمین جشن منتقدان سینما معتقد است که خروجی این جشن، راهبردهایی را برای سینما و سینماگران روشن کرد. ساختن قاب تازه، کشف دوباره ژانر، توجه‌فعالانه به مخاطب و افزایش جسارت در فیلمسازی از جمله این راهبردهاست. او در این‌باره می‌گوید: «سینما با تکرار، زنده نمی‌ماند؛ همان‌طور که یک پلان ایستا نمی‌تواند فیلمی را روایت کند، ایستادن در عادت هم نمی‌تواند حیات سینما را تضمین کند. مخاطب را همکار خاموش خود بدانید. تماشاگر، تماشاچی صرف نیست؛ او تدوین‌گر پنهانی است که روایت را در ذهن‌اش کامل می‌کند. ژانر را دوباره کشف کنید. ژانر نه قفس، که لنزی برای تنوع دیدن است. جسارت را به میز انسان برگردانید. بی‌جسارتی یعنی قاب‌های تکراری و قاب‌های تکراری، یعنی مرگ تدریجی سینما.» او در ادامه با تأکید بر اینکه سینما فقط «بازار» نیست، «بازتاب» است، خطاب به سینماگران مطرح می‌کند که اگر آیین‌های جامعه نباشید، فیلم‌تان فقط تصویر بی‌جان خواهد بود. سینما باید ضربان زمانه را در خودش ثبت کند. به‌جای آنکه در پی صحن‌های پرزرق‌وبرق باشید، به‌دنبال «لحظه‌ای صادق» باشید. هر فیلم، فرصتی دوباره برای تعریف‌کردن «حیات» سینماست.



جعفر گودرزی، دبیر پانزدهمین جشن منتقدان سینما، ملاک داوری در این جشن را نه اسم‌ها، بلکه خود سینما اعلام کرد. به گفته او، برای نخستین‌بار در این دوره داوری از مدار محدوده جشنواره فجر خارج شد و اکران سال سینمای ایران، ملاک ارزیابی قرار داده شد. استقلال و صداقت، داوری گسترده و ورود فیلم‌های آنلاین به آن، از دیگر تمایزهای دوره پانزدهم جشن منتقدان سینماست

❖ داوری منصفانه؟

داوری آثار در پانزدهمین جشن منتقدان سینما نه‌تنها محدود به جشنواره فیلم فجر نشد؛ بلکه علاوه بر فیلم‌های سینمایی، بررسی آثار با اکران آنلاین نیز در داوری حضور داشتند. محمدرضا لطفی، کارگردان برگزاری این دوره نیز با اشاره به این دو تفاوت پانزدهمین دوره جشن نسبت به دوره‌های قبل، به «هم‌میهن» توضیح می‌دهد: «یکی از انتقادهای جدی به دوره‌های قبلی جشن منتقدان سینما این بود که انتخاب و داوری فیلم‌ها به فیلم‌های جشنواره فجر محدود شده است. به‌همین دلیل برای ایجاد تنوع در ژانرهای مورد بررسی، داوران در آکادمی جشن، فیلم‌های اکران شده در سه‌سال اخیر را ارزیابی کردند. در نتیجه از آنجا که سید اکران فیلم‌های سینمایی در سه‌سال اخیر از ژانرهایی همچون کمدی، دفاع مقدس و اجتماعی متعدد و متنوع بوده است، این گستردگی برای داوری نامزدهای پانزدهمین دوره جشن هم دیده شد.» به اعتقاد او، باتوجه به ماهیت انجمن منتقدان، طبیعی است که فیلم‌های اجتماعی و انتقادی در جشن بیشتر مورد توجه قرار گیرند. البته برای اینکه رأی‌ها به انصاف و عدالت نزدیک‌تر باشد، در ارزیابی‌های داوران، فیلم‌های اکران شده در سه‌سال اخیر و نه فقط فیلم‌های جشنواره فجر، لحاظ شدند. لطفی همچنین با بیان اینکه جوایز جشن منتقدان سینما به‌دلیل ماهیت و رأی‌گیری مستقل داوران آن از اهمیت زیادی در بین سینماگران و رسانه‌ها بر خوردار است، می‌گوید: «دست‌اندرکاران جشن و انجمن منتقدان سینما، مستقل از جریان‌های دولتی و رسمی کشور عمل می‌کنند و به‌دلیل همین استقلال، دریافت جایزه از داوران این جشن برای اهالی سینما از جایزه جشنواره فجر هم مهم‌تر است. این در حالی است که ماهیت دولتی و روند غیرشفاف جشنواره فجر به‌خصوص در سال‌های اخیر، بیشتر از قبل آشکار شده است. در مقابل، اعتبار و اهمیت جشن منتقدان روزبه‌روز برای سینماگران زیاد شده.» در مجموع محمدرضا لطفی معتقد است که پانزدهمین جشن منتقدان سینما از نظر داوری، نحوه اجرا و استقبال سینماگران، عملکرد مناسبی داشته است.

❖ برندگان جوایز؟

در این دوره از جشن منتقدان سینما که به‌گفته برگزارکنندگان آن، متمرکز بر داوری منصفانه و شفاف بوده

سه‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۸۷۱
www.hammihanonline.ir

است، فیلم «علت مرگ نامعلوم» به‌عنوان بهترین فیلم انتخاب شد و جوایز اصلی را دریافت کرد. «علت مرگ نامعلوم» با وجود سه‌سال توقیف، در جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای جایزه بهترین فیلمبرداری را از آن خود کرد. همچنین هر چند اکران «علت مرگ نامعلوم» در سینماهای کشور هم محدود بود، اما توانست توجه مخاطبان و منتقدان را به خود جلب کند. در پانزدهمین جشن منتقدان نیز، کارگردان و نویسنده این فیلم، جایزه بهترین فیلمنامه و تندیس کارگردانی را دریافت کرد. علیرضا ثانی‌فر هم دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را برای «علت مرگ نامعلوم» دریافت کرد. پانیبال شومون هم برای این فیلم، دیپلم افتخار بهترین بازیگر مرد نقش اول را گرفت، مراسم اهدای جوایز در پانزدهمین جشن منتقدان سینما، پس از برگزاری مراسم بزرگداشت فرشته صدرعرفایی و اهدای لوح تقدیر به‌منه‌از افضل‌ی به‌عنوان نماینده صدرعرفایی در جشنواره، شروع شد. جایزه بهترین کارگردانی را کوروش تهامی و مازیار فکری برای فیلم «صبحانه با زرافه‌ها»، به سروش صحت اهدا کردند. جایزه بهترین تدوین را حسن حسن دوست برای فیلم «پرویز خان» دریافت کرد. جایزه بهترین موسیقی به مسعود سخاوت‌دوست، برای فیلم «موقعیت مهدی» و تندیس بهترین موسیقی متن به ستار اورکی، برای فیلم «خائن‌کشی» اهدا شد. اکتای براهنی و کامران ملکی، جایزه بهترین فیلم اول را به آرمان خونساریان برای فیلم «جنگل پرتقال» اهدا کردند. حسن پورشیرازی هم برای فیلم «پی‌پرسر» لوح تقدیر گرفت و جایزه‌اش را با ارزش‌ترین جایزه‌ای که گرفته است، دانست. دیپلم افتخار بهترین فیلمبرداری به آرمان فیاض، برای فیلم «برف آخر» و تندیس این بخش به مسعود سلامی، برای فیلم «خائن‌کشی» رسید. صدف اسپهبدی، جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل زن را برای فیلم «مفلززار» دریافت کرد. تندیس این بخش به مجید صالحی، برای فیلم «برف آخر» رسید. دیپلم بهترین بازیگر نقش اول زن، به الناز شاکر دوست برای فیلم «بی‌پدن» و تندیس این بخش، به سارا بهرامی برای فیلم «جنگل پرتقال» اهدا شد. امین حیایی نیز برای بازی در فیلم «برف آخر»، جایزه خلاقیت در بازیگری را دریافت و تندیس این بخش را میرسعید مولویان، برای فیلم «جنگل پرتقال» از آن خود کرد.

سینمایی ایران می‌توانند ایفا کنند؟

برای نسل جدید، آموزش دیگر مثل گذشته نیست. ۴۰-۳۰ سال پیش، در دانشکده‌های سینما، دسترسی به منابع، فیلم‌ها یا مقالات بسیار محدود بود. اما حالا کافی است دانشجویا چند کلیک، بهترین فیلم‌ها و مسترکلاس‌ها را ببینند. این ویژگی باعث‌شده فیلم‌هایشان از حیث تکنیک تقریباً بی‌نقص باشند؛ نه‌در تدوین ایراد دارند، نه‌در تصویر و صدا. مسئله اصلی در رقابت امروز، قصه‌گفتن و انتخاب لحن و زبان اجرایی است. البته معتقدم، هر چه این نسل می‌سازد لزوماً در خشان نیست. از دل این موج، شاید فیلم‌های ماندگار کمی بیرون بیاید، اما به‌هر حال این موج فروکش می‌کند و رسوب آن، نسلی معکوتر و حرفه‌ای‌تر خواهد بود. امتیاز دیگرشان این است که تمام یک استودیو لا‌اثراتوار فیلمسازی حالا در یک دوربین کوچک یا حتی موبایل خلاصه می‌شود. یک لپ‌تاپ کافی است برای تولید یک فیلم. این فرصت بزرگی است. دسترسی به الگوهای متفاوت و امکان دیدن و بازبینی مکرر آثار مهم جهانی، باعث کسب تجربه و ارتقای کیفیت آثار می‌شود. علاوه بر این، فیلمسازان جدید دیگر اعتقادی به مجوزگرفتن ندارند. اصلاً به ذهن‌شان هم خطور نمی‌کند که ممکن است قصه‌ای ممنوع باشد، دیالوگی مشکل داشته باشد، پوششی ایراد بگیرد یا لوکیشتی مجاز نباشد. این آزادی، خواسته یا ناخواسته، فرصت بزرگی است. البته تعداد زیادی از آنها هم تاولانش را می‌دهند؛ چه با گرفتاری‌های حقوقی و چه با شکست‌هایی که در مسیر تجربه متحمل می‌شوند. تماشا کردن آثار فیلمسازان بزرگ و مواجهه با تجربه‌های جدید، به نسل جدید نشان داده که می‌توانند چیزی فراتر از تکنیک بسازند و همین می‌تواند به ظهور یک سینمای تازه در ایران منجر شود.

❖ با وجود این ظرفیت‌ها و استعداد در نسل جدید، و همراهی و حمایت امثال شما، آینده سینمای ایران به کدام‌سو خواهد رفت؟

تردیدی ندارم که اوضاع سینمای ایران بهتر خواهد شد. امروز دیگر فیلم‌های متوسط وجود ندارند؛ یا بسیار ارزان ساخته می‌شوند یا بسیار گران. یک فیلم با بودجه کم با یک تا دو میلیارد تومان و فیلم‌های معمولی با ۲۵ میلیارد تومان ساخته می‌شوند و در مقابل، فیلم‌هایی داریم با بودجه‌های ۸۰ تا ۱۰۰ میلیاردی. این اختلاف به‌قدری زیاد است که مقایسه را تقریباً ناممکن می‌کند. اما معتقدم، در دل این سوختن و خاکسترشدن، ققنوس تازه‌ای متولد خواهد شد. این دستور نالوشه سینمای ایران است. یعنی نسلی که نمی‌تواند بودجه بگیرد، پولی ندارد و مستقل کار می‌کند، در حال شکل‌دادن به سینمای نوین ایران است. آنها می‌کوشند با آثار کوچک، اما متفکرانه، هم در جشنواره‌ها و هم نزد مردم پیشنهادهای تازه‌ای ارائه دهند. بنابراین آینده سینمای ایران روشن است. نسل جدید با بازخوانی ۴۰ سال گذشته، با دقت و احتیاط جلومی‌رود و شاید کمتر دیده‌شود، اما بی‌تردید بعدها از این دوران به‌عنوان یک‌برهه مهم تاریخی یاد خواهد شد.

شخصی. خودم هم چنین انتظاری نداشته‌ام که سرمایه‌گذاری به من سرمایه بدهد تا فیلمی مستقل و هنری بسازم که ممکن است توقیف شود، شکست بخورد یا اصلاً اکران نشود. آن‌ها حق دارند نگران سرمایه‌شان باشند. اصل ایراد و انتقاد، به مدیریت فرهنگی است. در سه، چهار سال گذشته، به‌ویژه در دولت قبل، مدیریت فرهنگی آشکارا سمت بازار و تماشاگر عام ایستاد و ذوق و سلیقه عمومی را نه‌تنها پرورش نداد، بلکه تنزل داد. مدیریت فرهنگی تمام هم و غم خود را بر فروش بلیت گذاشت و دستاوردسازی کرد. برای همین پول‌های کلان به‌سمت فیلم‌های تجاری کمدی سرازیر شد. در حالی که هیچ‌یک از این‌ها وظیفه مدیریت فرهنگی نیست. مدیریت فرهنگی که بودجه‌اش از جیب مردم و بیت‌المال است، وظیفه داشت فقط و فقط از سینمای فرهنگی حمایت کند و درگیر پروژه‌های دیگر نشود. شوراها، اتاق‌های سیاست‌گذاری و نهادهای تخصصی می‌توانند سینمای فرهنگی را تشخیص دهند. ما فرصت‌های مهمی از دست دادیم؛ این که آقای تقوایی فیلم نسازد، یا سال‌ها از حضور آقای بیضایی، کیارستمی و دیگر بزرگان استفاده نشود، یک خسارت فرهنگی است. این‌ها گنجینه‌های معنوی کشور بودند و می‌توانستند آثارشان به گنجینه تاریخی ما اضافه شود. اما مدیران فرهنگی تشخیص ندادند و فرصت را از دست دادند. بعدها از ما می‌پرسند که چطور نتوانستید چهره‌های کاربلد و دغدغه‌مند را شناسایی کنید و به آنها فرصت و زمینه لازم را بدهید که برای ارتقای فرهنگ کشور، کار تولید کنند؟

امروزه در تاریخ سینمای ایران، چیزهایی که به‌یاد می‌آوریم، مگر غیر از آثار می‌مانند: «شب فوزی»، «خشت و آینه»، «آرامش در حضور دیگران»، «یک اتفاق ساده»، «دوئده»، «خانه دوست کجاست» و... است؟ در برابر هزاران فیلم تولیدشده، فهرست فیلم‌های ماندگار به‌حمت به ۵۰ یا ۱۰۰ اثر می‌رسد.

این نشان می‌دهد که مدیریت فرهنگی، درک درستی از وظیفه خود نداشته. اگر بودجه‌ای که در همه این سال‌ها خرج شد به‌شکلی دیگر صرف می‌شد، نتایج متفاوت بود. این بحث امروز حتی دیگر موضوعیت ندارد. چون کسی حاضر نیست این پول را بگیرد و کار کند؛ چراکه زمانه تغییر کرده و فیلمسازان ترجیح می‌دهند فیلم غیررسمی خود را بسازند، حتی اگر مستقل از حمایت رسمی باشد. رواق سینمای مستقل، مسیر خود را پیدا کرده و جلوتر از سیاست‌گذاری‌های رسمی حرکت می‌کند. مدیران فرهنگی هر چقدر هم بدوند، نمی‌توانند به آن برسند.

❖ آقای بزرگر، درباره سلیقه عمومی و ترجیحات مخاطب ایرانی نسبت به سینمای هنری و مستقل، ارزیابی شما چیست؟ طبیعتاً مخاطبان هم بارها نشان داده‌اند با سینمای مبتذل یا کمدی‌های سطحی، کنار نمی‌آیند و در نهایت سراغ فیلم‌های ارزشمندی که حرفی برای گفتن دارند، می‌روند. یعنی مخاطبان بیشتر از مدیران فرهنگی به سینمای مستقل توجه دارند؟

همین‌طور است. ما هم‌زمان با اکران فیلم‌هایی مثل «فسیل» و «۷۰ سی» که حدود ۸۰۰ سالن داشتند، سهم ما ۳۰ یا ۴۰ سالن بیشتر نبود. این بی‌عدالتی محض است. البته انتظار نداشتیم و آنقدر واقع بین هستیم که نمی‌توانیم ۸۰۰ سالن داشته باشیم و

شب / داخلی / انجمن منتقدان



روزنامه‌نگار

وقتی واژه منتقد شنیده می‌شود، لامحاله برای فردی که وادار این لغت است و آن را به دوش می‌کشد، توأمان بار سنگین و هم‌زمان مسئولیتی وافر به ارمان می‌آورد. حال اگر این نقد و انتقاد فرد منتقد گره به سینما بخورد، می‌توان گفت برای سازندگان اثر هنری، دانستن نقطه‌نظرات آنان مهم جلوه می‌کند؛ حتی اگر برخی، آنان را در فروختن یا عدم‌استقبال از فیلمی، دارای جایگاه خاصی نبینند و ندانند. مقصود از این پیش‌فیلانی، نقی است به جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینما که پس از چندسال وقفه در تالار قلم کتبخانه ملی برگزار شد. شبی که کمتر فرد غیرسینمایی‌ای در آن حضور داشت. شبی که دیدن و گپ‌زدن با هنرمندان و سلب‌ریتی‌ها، اولویت نبود. بازیگران و کارگردان‌ها آمدند و این عکاسان بودند که آنان را برای گرفتن عکس یادگاری به استیج فرا می‌خواندند. همین‌جا می‌توان دریافت جایگاه منتقدان و نویسندگان سینما را که هنرپیشه‌ها و صاحبان آثار چگونه آنان را در ذهن خود پرورش داده‌اند، بی جهت نیست که از روی هر هنرمندی، گرفتن این جایزه است و به‌محض تصاحب آن، در اولین واژه‌ها آن را افتخاری برای خود می‌دانند و برخی نیز این آمال را دارند که اولین جایزه‌شان را از منتقدان کسب کنند. به‌حتم نقطه مقابل این جشن می‌تواند جشنواره فیلم فجر باشد که به‌هر حال وزنه سنگین دولتی‌بودن آن، همراه وجود دارد. حتی در خوشبینانه‌ترین حالت و در بهترین دولت‌های ممکن از نظر سیاسی و فرهنگی، تنوع داوران به‌نوعی است که نقطه‌نظر همگان برآورده شود و این همگان لاجرم دسته‌های سیاسی نیستند، بلکه آنانی هستند که ورای سیاست‌های فرهنگی وقت، این قدرت و توان را دارند که نوع داوران انتخاب فیلم جشنواره‌ها را معین کنند. از این‌روی برگزاری جشنی چنین می‌تواند دارای اهمیت و جایگاه مناسبی باشد و برندگان این جشن به‌حتم بر خود می‌بالند که توسط افرادی برگزیده شده‌اند که دست کم هفته‌ای یک فیلم می‌بینند؛ نه افرادی که شاید طی ۱۲ فیلم هم نگاه نمی‌کنند و در جایگاه داوران قرار می‌گیرند. اهمیت شب منتقدان در همین عدم وابستگی‌هاست. هر چند می‌توان در همین انجمن صداهای گوناگونی شنید و منویات سیاسی و قبله‌گاه متفاوتی را مشاهده کرد. ولی کفه ترازو از جهت داوری و دیدن آثار، آنچنان متمایز با این جشن نقطه‌مقابل جشنواره فیلم فجر و داوری‌های آن نیست و سعی هم بر آن نشده که این نگاه در آن سيطرة یابد. بسان آکادمی اسکار و سایر فستیوال‌های همسان آن است، که گاهی برندگان، تفاوت ماهوی زیادی با هم دارند. نگاه‌شود به جوایزی که در اسکار داده می‌شود که گاهی با جوایزی که در بفتا و گلدن گلوب داده می‌شود بسیار متفاوت هست. شبی که در ایران و به‌همت انجمن منتقدان به برگزیدگان جوایزی اهدا می‌شود، فقط جنبه نمادین ندارد. این شب، شب تولد سینمایی است که در چنبره مسائل پشت پرده و بده‌بستان‌های سیاسی نیست. وگرنه برخی از این فیلم‌ها در جشنواره فجر هم حضور دارند و در آنجا هم موفق به دریافت جایزه می‌شوند. ولی فیلم‌هایی هم هستند که مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و «علت مرگ و نادیده‌گرفتن‌شان» مشخص نیست. به‌همین جهت این انتخاب منتقدان فقط از «حب علی و بغض معاویه» نیست. آسان نیست که منتقدان، برای دهن کجی به جشنواره فجر، به فیلم‌هایی توجه کنند. بلکه اگر توجه خاصی به فیلمی می‌شود، این پیام را غیرمستقیم می‌رساند که نگاه تصمیم‌گیران در پشت درهای بسته با نگاه منتقدان با همه شفافیت‌های موجود، تمایز زیادی دارد. مخلص کلام آنکه، جشن انجمن منتقدان را باید با نگاه حرفه‌ای و دور از بغض دید. آن را قداست خاصی نبخشید. به‌حتم ایرادهایی هم دارد که در شب جشن بر همگان آشکار شد؛ شبی که منتقدان، انتخاب‌هایشان را از قبل انجام‌داده بودند و آنچه وظیفه حرفه‌ای‌شان بود، به‌بهترین شکل تجسم یافت. می‌ماند ذکر این نکته که هیئت‌مدیره انجمن، بسان تلویزیون میلی نباشد که فقط زمان لزوم برخی را به اتنن بیاورد و طی سال، یادی از آنان نکند. این شب، شب منتقدان است و بس، جایگاه نمادین و واقعی برای آنان است. حتی در چیدمان، میزاسن و دکوپاژ صحنه، جای دوری نمی‌رود قدردانی بیشتر از آنان. شبی که بازیگران و کارگردانان هراس از روبه‌روشدن با منتقدان دارند و این کم هراس دوست‌داشتنی‌ای نیست. آن را پاس بدانیم و به بهتر انجام‌شدنش در سال‌های آتی کوشا باشیم...